بسم الله الرحمن الرحیم شماره 420

**صالحان وارثان زمین و زمان**

اَلحَمدُالِلِّهِ رَبَّ العالَمین و َصَلَّی اللهُ و عَلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا وَ حَبیبِ اِلهِنا ابی القاسِمِ مُحَمَّد وَ عَلی آلِهِ طّاهِرینَ وَ لَعنَهُ اللهِ عَلی اَعدائِهِم اَجمَعینَ اِلی قِیامِ یَومِ الدّین . اَلسَّلامُ عَلَی المَهدَیِّ الَّذی وَعَدَالله عَزَّوَجلَّ بِهِ الاُمَمَ اَن یَجمَعَ بِهِ الکَلِمَ وَ یَلُمَّ بِهِ الشَّعَثَ وَ یَملَا بِهِ الاَرضَ قِسطاً وَ عَدلًا وَ یُمَکَّنَ لَهُ وَ یُنجِزَ بِهِ وَعدَ المُومِنینَ 0

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم :

وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُون‏(انبیاء 105) : در [زبور] بعد از ذکر [تورات ] نوشتیم :« بندگان شایسته ام وارث (حکومت ) زمین خواهند بود »

**امام جویی فطری انسانها**

اگر انسان به این حقیقت توجه داشته باشد که او مسافری است در حال حرکت به سمت مقصدی بسیاربزرگ و حیاتی که به آن لقاء می گویند و تقرّب ، جوهره ای به کمال لایتناهی است و توجه داشته باشد در این مسیر مشکلات و موانع فراوان وجود دارد و شیطان دشمنِ آشکار بشر ، قسم خورده که همواره در کمین انسان است :

قَالَ فَبِمَآ أَغۡوَيۡتَنِي لَأَقۡعُدَنَّ لَهُمۡ صِرَٰطَكَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ \* ثُمَّ لَأٓتِيَنَّهُم مِّنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ وَعَنۡ أَيۡمَٰنِهِمۡ وَعَن شَمَآئِلِهِمۡۖ وَلَا تَجِدُ أَكۡثَرَهُمۡ شَٰكِرِينَ (اعراف 16و17 )

 (شیطان) به دروغ گفت : به سبب آن گمراه ساختن ، من بر سر راه مستقیم تو ، در کمین آنها می نشینم \* سپس از پیش رو و از پشت سر ، و از طرف راست و از طرف چپ آنها به سراغشان می روم و بیشتر آنها را شکر گزار نخواهی یافت 0

 باتوجه به این دو مطلب انسان قهراً احساس می کند که به هدایت و راهنما نیاز دارد که اگرهدایت نشود به هلاک ابدی می افتد بنابراین جمله ی تقاضا های فطری و خواسته های درونی انسان هدایت خواهی ، پیشوا طلبی و به اصطلاح شرعی خودمان امام جویی است همان گونه ای که انسان برحسب غریزه و طبیعت خود ، نیاز به آب و غذا دارد ، که اگر به او نرسد می میرد به همین کیفیّت انسان در فطرت خود امام طلب است امام جویی می کند که اگر به او نرسد به هلاک ابدی می افتد . تاریخ زندگی بشر نشان می دهد که در تمام اعصار و ادوار تحت هر شرایط و اوضاع و احوال بشر دنبال انسان کاملی بوده [این از درونش مُنبعث شده که در جستجوی یک فرد انسان کامل باشد ] و رشته ی تبعّیت از او را به گردن بیفکند و نقائص و کمبودهای حیاتی خود را با پیروی او تکمیل کند هر چند در این راه غالباً خطای در تطبیق هم داشته یعنی ناقص را کامل انگاشته (نقص را کمال تصوّرکرده) دنبالش رفته به گمراهی افتاده است 0

**انحراف در فطرت خدا جویی انسان**

بنا به همین فطرت خداجویی در که وجود انسان است او را به بت پرستی کشانده است ، این بت پرستی در شکل های گوناگون در عالم بوده است : خورشید پرست ، ماه پرست ، ستاره پرست ، دریا پرست ، گاو پرست ، گوساله پرست ، اینها همه از همان فطرت خدا جویی انسان مُنبعث شده دنبال خدا می رود در تطبیق خطا کرده غیر خدا را جای خدا نشانده است و به گمراهی افتاده.

 در امام طلبی هم همین گونه است انسان فطرتاً دنبال انسان کامل است که از او تبعیّت کند الگو بگیرد منتهی خطا در تطبیق می کند گاهی دنبال موجودات ناقص می رود به خیال اینکه کامل اند می رود مرشد پرستی ، پیر طریقت ، قطب و امثال آن، از همین راه پیدا شده اند و از همین فطرت امام جویی انسان سوء استفاده کرده اند و خود را بجای امام حق قالب زده اند و او را به بدبختی و هلاکت کشانده اند و از این جهت می گوییم ، مسئله ی امام جویی، فطری است همانگونه که خدا جویی فطری است ، دنبال امام می رود منتهی چون اشتباه در تطبیق می کند از این جهت عقل به میان می آید و نظر می دهد.

**صفات امام از منظر عقل**

 از نظر عقل آن امام و رهبر باید دارای این صفات باشد : جاعل و خائن نباشد ، بصیر و راه شناس و امین باشد همانطور که عقل در خدا جویی هم همین نظر را می دهد ، از نظر عقل ، خدایی که دنبالش می گردی که معبود تو باشد باید صمد و بی نیاز باشد و بتواند حوائج تو را تأمین کند. این معبود نمی تواند زمین ، آسمان ، ماه ، خورشید ، گاو وگوساله باشد او یک وجود لایَتَناهاست او معبود توست در امر امام شناسی هم عقل نظر می دهد ، مراقب باش دنبال انسان کامل باش که از او تبعیت کنی درست است که فطرت دنبال امام است اما اشتباه می کند هر انسانی که ادعای کمال کرد نمی شود از او تبعیت کرد باید عالم به تمام امور هدایت و حقایق باشد جاعل نباشد ، خطا و اشتباه نکند و هم خائن و منفعت طلب و خود خواه نباشد ریاست طلب و برای خودش نباشد ،آن رهبری که دنبالش می گردی باید معصوم باشد ، صفت عصمت ، حکم عقل است لزوم امامت حکم فطرت است.

 فطرت ، مقّدم بر عقل است ، آنجایی که فطرت است هنوز عقل نیامده یک کودک نوزاد وقتی از مادر متّولد می شود احساس گرسنگی کرده گریه می کند شیر می طلبد این شیر طلبی حکم عقل نیست چون هنوز عاقل نیست ، عقل در وجود او حاکم نیست آن همان فطرت غریزه از طبیعت است احساس نیاز می کند و داد می زند گریه می کند فرد گرسنه و تشنه که دنبال آب و نان می رود به حکم عقل نیست ، حکم فطرت است مُنتهی اگر هدایتش نکنند سراغ غذاهای آلوده می رود و به هلاکت می افتد پس حکم امام طلبی ، حکم فطرت است امام ، مظهر صفات خداست ، خداجویی درفطرت است ، امام جویی در فطرت است ، منتهی عقل باید نظر بدهد که او کیست ؟ او چیست ؟ و چه کسی باید هادی تو باشد به حکم عقل ، عصمت لازم است پس لزوم امامت فطری است ، لزوم عصمت عقلی است پس عقل و فطرت هردو دست به دست هم می دهند و لزوم امام معصوم را اثبات می کنند ، باید در زندگی بشر امام معصوم باشد همان گونه که خدای کامل و مطلق باید باشد ، حالا تعیین با چه کسی است ؟ تعیین آن با وحی است ، فطرت و عقل حکم می کنند باید در زندگی بشر به عنوان امام معصوم باشد آن باید وحی معیین کند همان گونه ای که اگرغذای سالم وآب سالم به آدم تشنه و گرسنه نرسد به سراغ غذای آلوده می رود ، اگر امام حق هم به بشرعرضه نشود ، به حکم فطرتش سراغ افراد نالایق می رود ، افراد ناقص را انتخاب می کند منتهی وحی اینجا به داد فطرت و عقل می رسد نظر می دهد : وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنا وَ أَوْحَيْنا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْراتِ وَ إِقامَ الصَّلاةِ وَ إيتاءَ الزَّكاةِ وَ كانُوا لَنا عابِدين‏(انبیاء73) : و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما ، (مردم را ) هدایت می کردند ، و انجام کارهای نیک و بر پا داشتن نماز و ادای زکات را

به آنها وحی کردیم و تنها ما را عبادت می کردند 0

ماگروهی را بعنوان امام معین کرده ایم ، ساختمان وجود آنها به دست ماست وقتی به انسان تقاضای آب طلبی دادیم آب هم دادیم ، اگر گرسنگی داده ایم ، نان هم ما داده ایم جنین در رحم مادر طلب خون می کند غذای او همان است اما وقتی که به دنیا آمد مزاج او عوض می شود و نان می خواهد همان کسی که در رَحِم مادر خون را غذای او قرار داده همان کس به محض اینکه به دنیا آمد پستان پر از شیردر اختیارش می گذارد تقاضا را خودش می دهد ، عرضه هم خودش می دهد 0

**امامت انتصاب الهی است نه انتخاب مردمی**

حالا می فرماید : من تقاضای امام طلبی به مردم داده ام امام را هم خودم معین می کنم«0ما مِنْ دَابَّةٍ إِلاَّ هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلى‏ صِراطٍ مُسْتَقيم » (هود56)‏ هر جنبند ه ای در قبضه ی قدرت (توأم با عدالت) او است ، زیرا پروردگار من بر صراط مستقیم است 0من خود جعل امامت کرده ام گروهی را صالح قرار داده «ام وَ كُلاًّ جَعَلْنا صالِحين‏»(انبیاء72) همه ی آنان را ، افرادی صالح قرار دادیم 0 اول به آنها صلاحیت و شایستگی مخصوص داده ام و به آنها منصب امامت بخشیده ام 0 فطرت می گوید من امام می خواهم عقل می گوید باید معصوم باشد وحی هم هدایت می کند ، این همان امام معصومی است که می خواهی وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنا (انبیاء73) **،** ما انبیا و اولیاء را پیشوایانی قرار داده ایم ، [ وَ جَعَلْناهُمْ ] انتخابی شما نیست ما انتصاب کرده ایم شما حق انتخاب ندارید ، شما نباید ابوبکر و عمر بسازیدر، ما قراردادیم و«جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنا »(انبیاء73) ما هادی شما را معلوم کرده ایم ، همان هدایتی که فطرت شما در پی آن است «وَ أَوْحَيْنا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرات‏» انبیاء 73) **، ما** بطور وحی تکوینی در ساختمان وجودشان منبع خیرات قرار دادیم ، ما لباس امامت هم براندام آنها پوشانده ایم ، درباره ابراهیم علیه السلام می فرماید :

«وَ إِذِ ابْتَلى‏ إِبْراهيمَ رَبُّهُ بِكَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّي جاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِماماً 00»(بقره124) و ( یاد کنید ) هنگامی که پروردگار ابراهیم ، او را با دستوراتی آزمود و او بطور کامل از عهده ی همه آنها بر آمد ، خداوند به او فرمود : « من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم »0

برای ابراهیم صحنه های امتحانی سنگین پیش آوردیم تا برای امامت بشود بعد از اینکه مراحل را طی کرد به او گفتیم حالا تو را امام قرار دادیم [إِنِّي جاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِماماً ] از این لام لِلنَّاس احتمالا می شود استفاده کرد که امام طلبی از درون خود انسان بر می خیزد [ لِلنَّاسِ إِماماً] در آیه دیگر فرمود : « فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدىً فَمَنْ تَبِعَ هُدايَ فَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُون»(بقره38)‏ هرگاه هدایتی از طرف من برای شما آمد ، کسانی که از آن پیروی کنند ، نه ترسی بر آنها ست و نه اندوهگین می شوند 0

 اشتیاه نکنید هادی را من معلوم می کنم و می فرستم ، هر کسی دنبال هادی فرستاده ی ما رفت خوف و حزنی ندارد ، همین فطرت است «0فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتي‏ فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْها لا تَبْديلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَعْلَمُون»‏(روم 30) پس روی خود را ، متوجه آیین خالص پروردگار کن ، این سرشت الهی است که خداوند انسانها را بر آن آفریده ، دگرگونی در آفرینش الهی نیست این است آیین استوار ، ولی اکثر مردم نمی دانند 0

 آن دلبستگی به خدا و امامی که مظهرصفات خداست این فطرت است «0فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ

حَنيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتي‏ فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْها لا تَبْديلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَعْلَمُون»‏(روم 30) آن دین قیم و استوار ،همین است ،

**لزوم توجه به مضامین ادعیه و زیارات**

حالا توجه شما را به چند جمله از اذن دخولی که هنگام زیارت اولیای خدا می خوانیم جلب می کنم ، اینها برای ما خیلی مغتنم است ما غالبا به الفاظ و ظواهر اکتفا می کنیم و در دعاها و مناجاتها و زیارتهای وارد شده تدبر و تأمل نمی کنیم ، هر کدام اینها منبعی برای معارف و حقایق هستند وقتی که کنارقبر مقدّس پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم یا سایر مشاهد مشرّفه تفاوتی ندارد همه ی آنها نور واحد هستند قصد ورود داشته باشیم حالا ما همینطوری وارد می شویم و خیلی هم نه امام را خوب می شناسیم نه آن عظمت مقام را درک می کنیم خیلی هنرکنیم در و دیوار را می بوسیم ، اینها احترام است ، اما ادب نشأت گرفته از معرفت و شناسایی ارزش دارد ، خیلی ها مغلوب ظواهر هستند چه بسا اشخاصی که کنار قبرمقدس امام رضا علیه السلام خیلی با عظمت وارد می شوند چون آن صحنها را می بینند آن شبستانهاای آینه کاری شده را می بینند مغلوب ظاهر می شوند همین افراد اگرکناربقیع بروند خیلی برای آن احترام قائل نمی شوند ، در آنجا چهارامام شیعه دفن شده گاه دیده شده افراد باکفش می روند یا برخی بی حرمتیهای دیگر و نمی فهمند 0

**توجه به عبارات زیارتنامه به هنگام ورود به حرم امامان معصوم علیهم السلام**

در حالی که به ما سفارش شده وقتی مقابل قبر مطهر این بزرگواران می ایستید با ادب وارد بشوید و این جملات را بگویید :« اللَّهُمَ‏ إِنَ‏ هَذِهِ‏ بُقْعَةٌ طَهَّرْتَهَا : خدایا به راستی این بقعه ای است که پاکیزه اش کردی ، خدایا در مکان مقدسی ایستاده ام که تو آن را طهارت داده ای همان خدایی که به اهل بیت طهارت مطلقه داده ای «00إِنَّما يُريدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهيرا» (احزاب 33) : جز این نیست که همواره خدا می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت برطرف نماید و شما را چنان که شایسته است پاک و پاکیزه گرداند 0 خدایا اینجا ایستاده ام [بُقْعَةٌ طَهَّرْتَهَا وَ عَقْوَةٌ شَرَّفْتَهَا وَ مَعَالِمُ زَكَّيْتَهَا] آثار اقدس و ساحت مقدسی است که تو آنها را شرافت داده ای همان [ حَیثُ أَظْهَرْتَ‏ فِيهَا أَدِلَّةَ التَّوْحِيدِ] : برای این که پدید آوری در آن بقعه دلیهای توحید را ، در اینجا ادله توحید را قرار داده ای آن کسانی که راهنمای ما قرار داده ای تا ما را به شناختن کمال مطلق و مقام توحید برسانند [أَدِلَّةَ التَّوْحِيدِ] راهنمایانی هستند که کسی غیر آنها نمی تواند راه را به ما نشان بدهد همان [أَدِلَّةَ التَّوْحِيدِ وَ أَشْبَاحَ الْعَرْشِ الْمَجِيد](بحارج99ص115) : ونمونه ها و تمثالهای عرش مجید ، اینها کسانی هستند که در مقام عرشی احاطه به عرش مجید داشته اند ، ما عرش را خوب نمی فهمیم آن مقام حکومت وحاکمیت خدا ، مقام علم خدا و قدرت خدا را عرش می گویند اهل بیت طهارت علیهم السلام اطراف آن منطقه اند ، و حالا فرازی از زیارت جامعه کبیره مفاتیح

الجنان [خَلَقَكُمُ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ‏ بِعَرْشِهِ‏ مُحْدِقِينَ ](من لایحضرج2ص613) : خداوند شما اهل بیت را به صورت نورهایی آفریده و گرداگرد عرش خود قرار داده است 0

خدا شما اهل بیت را به صورت انواری آفریده و بر عرش خود محیط قرار داده ما چه می فهمیم ما تا روزقیامت هم درک نمی کنیم که عرش یعنی چه ؟ بعد احاطه ی برعرش یعنی چه ؟ مقام علم و مقام قدرت خدا که دراختیاراینها است که محدق به عرش مجید هستند ما چیزی درک نمی کنیم 0«00 الَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ‏ مُلُوكاً لِحِفْظِ النِّظَامِ 00»(بحارج99ص115) : کسانی (اهل بیتی) که آنها را به مقام فرمانروایی برای حفظ نظام خلق برگزیدی 0

خدابا تو اینها (اهل بیت )را ملک و سلطان مطلق برای حفظ نظام خلقت قرار داده ای ، اداره نظام خلقت را بسته به اراده آنها که فرمانروا هستند قرارداده که فرمان در این عالم نافذ است همان [مُلُوكاً لِحِفْظِ النِّظَامِ وَ اخْتَرْتَهُمْ رُؤَسَاءَ لِجَمِيعِ الْأَنَامِ ] (بحارج99ص115) : به جهت حفظ نظام و ریاست بر تمام مردم اختیار کردی 0حفظ نظام عالم دست آنها است ، می گوید اکنون که امام زمان ارواحنا له الفداه غایب است و دردسترس نیست ما چه کارکنیم ؟ از کجا دستور لازم را بگیریم ؟

**نقش امام زمان علیه السلام در اداره عالم**

ما خیال می کنیم که کار امام زمان علیه السلام فقط این است که بیادید و احکام دین را بیان کند شریعت بیان کند وکار او فقط اصلاح عالم است در حالی که تنها این نیست ، پس کار او چیست ؟ کار او حفظ نظام است ، اصلا او نظام خلقت را اداره می کند تنها مسئله ی اقامه ی عدل و بیان احکام نیست ، می گوییم حالا که او درحال غیبت است نه اقامه ی عدل و نه بیان احکام است ، خیرحفظ نظام به عهده ی است که اگر نباشد :

به محض التفاتی زنده دارد آفرینش را – اگر نازی کند از هم فرو ریزند قالبها

همه چیز به هم می ریزد نه کهکشانی و نه منظومه شمسی و نه زمینی نه آسمانی نه بنده و شما و نه نفسی هیچ چیز نخواهد بود ، تمام اینها از برکات وجود او است ، [ بِيُمْنِهِ‏ رُزِقَ‏ الْوَرَى‏ وَ بِوُجُودِهِ ثَبَتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاء](زاد المعاد ص423) : به برکت او(امام زمان علیه السلام ) بندگان ، روزی داده شده اند و به واسطه وجود او ، زمین و آسمان استورا گردیده است 0

 زمین و آسمان بوجود او ، به اراده او ، به خواست او بستگی دارد خدا [مُلُوكاً لِحِفْظِ النِّظَامِ وَ اخْتَرْتَهُمْ رُؤَسَاءَ لِجَمِيعِ الْأَنَامِ ] (بحارج99ص115) قرار داده است ، ریاست آنها در فطرت انسانها ثابت است که همان [كَمَا أَوْجَبْتَ‏ رِئَاسَتَهُمْ‏ فِي فِطَرِ الْمُكَلَّفِين‏](بحارج99ص115) : همان طوری که ریاست وامامت آنها را در فطرتهای مکلفین و مردم واجب کردی 0

همچنان که ریاستشان را در فطرت مکلفین قرارداده ای مردم فطرتا طالب و جویای آن هستند

[وَ بَعَثْتَهُمْ‏ لِقِيَامِ‏ الْقِسْطِ فِي ابْتِدَاءِ الْوُجُودِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَة](بحار ج99ص115) : و آنها (اهل بیت ) را برای برپایی عدالت از آغاز هستی تا روز قیامت بر انگیختی 0

 از ابتدای عالم که خلق آفریده ای آنها را بر انگیخته ای که تا روز قیامت اقامه ی قسط کنند آنها باید باشند تا عاقبت جامعه ی بشر ی را به یک جامعه ی انسانهانی تبدیل کنند 0

**باطل و لغو بودن عالم بدون امام علیه السلام**

و راستی اگر امام آفریده نشده بود که جامعه ی بشر را به راه سعادت ابدی بیفکند به حیات جاودانی برساند آفرینش عالم لغو باطل بود ، زمین و آسمان و منظومه ها برای انسان درست شده ، انسان برای چه ؟ برای این که حکومت عالم به دست یزید و معاویه و فرعون و شداد و مانند اینها باشد ؟ اگر چنین باشد ، درست مثل اینکه کسی در فضای وسیعی خانه ای وسیع مجهز با همه ی امکانات و بسیار مجلل بسازد ، بعد در را باز کند سگها و گرگها و خوکها هجوم آورده بریزند و بپاشند و همدیگر را بدرند و بکوبند و فضله ها بریزند ، گفته می شود آقا شما برای چه این خانه را ساخته ای ؟ می گوید برای این سگها و گرگها و با رفتار وحشیانه ی خود همه چیز را به هم بریزند و نابود کنند ، همگان تعجب می کنند که این چه کار ابلهانه ای است ؟ ! آن وقت ما حق اعتراض به خدا داشتیم بگوییم خدایا برای چه اینها را خلق کردی ؟ برای این کار ؟ حق تعالی می فرماید این طور نیست : « وَ ما خَلَقْنَا السَّماءَ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُما لاعِبين» ‏(انبیاء16) : ما آسمان و زمین و آنچه در میان آنها است به بازی (و بی هدف) نیافریدیم 0

من که بازیگرنیستم که «وَ ما خَلَقْنَا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُما إِلاَّ بِالْحَقِّ 00» (حجر 85) ما آسمانها و زمین و آنچه را میان آن دو است ، جز به حق نیافریدیم 0من از آفرینش آدم و عالم و هدقی دارم ، غرض من از آفرینش این دستگاه عادلانه و عاقلانه ی خلقت آن است که گرداننده اش علی امیر علیه السلام باشد ، مدیر و مدبرش امام حجة ابن الحسن علیهما السلام باشد ، در این صورت است که می توان گفت ، همه این نظامات عظیم خلقت برای انسان ساخته شده ، و انسان برای تبعیت از علی امیرعلیه السلام و امام زمان ارواحنا فداه ، که نتیجه اش حیات ابدی و سعادت سرمدی می شود و لذا فرمودند يا [یا أحمد! لو لاك‏ لما خلقت‏ الأفلاك]‏(عوالم العلوم ج11ص44 ) : ای پیغمبر اگر تو نبودی من این عالم را خلق نمی کردم ، و لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند : [لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى‏ يَبْعَثَ‏ اللَّهُ‏ رَجُلًا مِنِّي أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي وَ اسْمُ أَبِيهِ اسْمَ أَبِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً.] (بحارج51ص102) : اگر از (عمر ) دنیا باقی نماند بجز یک روز ، خداوند ، آن یک روز را به قدری طولانی می کند تا مرد صالحی از امت من و از اهل بیت من که همنام کنیه من است را ظاهر می کند تا زمین را پر از عدل و داد کند بعد از آن که پر از ظلم و جور شده است 0اگر عمر دنیا تمام بشود و فقط یک روز بماند ، همان یک روز را خدا آنقدر طولانی می کند تا مردی از عترت من ظاهربشود و عالم را پر از عدل و داد کند0

**صالحان وارثان قطعی زمین و زمان**

[وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُون]‏(انبیاء105 )

 منِ خدا مقررکرده ام باید حتما زمین به دست بندگان صالح و نه افراد شکم باره ها بیفتد ما این عالم را برای مردمی که کثیف و پست و پلیدند ، امثال معاویه ها برای اینها نساخته ایم بلکه باید زمین به دست بندگان صالح من اداره بشود ، از این رو ما باید در این زمان غیبت مجهز و آماده باشیم که اولا جوانهای ما متوجه و خیلی با آیات قرآن و روایات درارتباط باشند و عقیده به مسئله مهدویت در فکر و جانشان رسوخ و تحکیم پیدا کند ، چون در حال حاضر مُشکّک فراوان است ، تزلزل ایجاد می کنند ما باید با آیات و روایات مأنوس باشیم حدّ اقلّ عقایدمان خودمان محکم باشد ، اگر توانستیم آنها را با اصول عقاید آشنا کنیم ، درباره ی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه کتاب فراوان نوشته شده از جمله منتخب الاثر کتابی است و تمام روایاتی که از همه معصومین و در باره امام زمان علیه السلام رسیده ، جمع آوری کرده است 0

**تأکید به امامت امام زمان در خطبه غدیریّه رسول اکرم (ص)**

درغدیرخم همان روزی که پیامبراکرم مولای ما را به ولایت نصب کرد ، همان روز در خطبه غدیریّه ، سخن از امامان علیهم السلام به میان آورد بعد مخصوصا روی حضرت مهدی علیه السلام تکیه ی زیاد دارد خصایص آن حضرت را بیان می کند که ما روشن تر بشویم چند جمله از همان خطبه ی غدیریّه عرض می کنم که کلامشان نور است و نورکلامشان در قلب ما می تابد فرمود : [مَعَاشِرَ النَّاسِ‏ إِنَّهُ‏ آخِرُ مَقَامٍ‏ أَقُومُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ] : مردم بدانیداین آخرین موقفی است که من با شما صحبت می کنم بعد دیگر شما را نخواهم دید (چون اواخر عمرشان بود ، دو ماه بعد از آن خطبه هم از دنیا رحلت فرمودند [فَاسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا] یشنوید و اطاعت کنید [وَ انْقَادُوا لِأَمْرِ رَبِّكُمْ] فرمان خدا را اطاعت کنید [فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَ إِلَهُكُمْ] در درجه اول خدا مولای شماست بعد [ثُمَّ مِنْ دُونِهِ مُحَمَّدٌ ص] بعد از خدا من هستم [وَلِيُّكُمُ الْقَائِمُ الْمُخَاطِبُ لَكُمْ] که مقابل شما ایستاده ام و با شما صحبت می کنم [ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيُّكُمْ] بعد از من علی ولی شما است [وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْر رَبِّكُمْ ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ] بعد از او در ذریه ی من که از صلب او است امامت مستقر می شود [إِلَى يَوْمِ‏ تَلْقَوْنَ‏ اللَّهَ‏ وَ رَسُولَهُ (مَعَاشِرَ النَّاسِ) ذُرِّيَّةُ كُلِ‏ نَبِيٍ‏ مِنْ‏ صُلْبِه‏] مردم هر پیغمبری ذریه اش از صلب خودش بوده ولی دریه ی من از صلب علی خواهد بود [وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ ][ مَعَاشِرَ النَّاسِ‏ آمِنُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِالنُّورِ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَه‏] مردم ایمان بیاورید به خدا و رسولش و آن نوری که همراه ایشان نازل شده [مَعَاشِرَ النَّاسِ النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِيَّ ثُمَّ مَسْلُوك‏] آن نور الهی در من قرار داده شد [ثُمَّ فِي عَلِيٍّ ] بعد در علی قرار داده شد [ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ]بعد در ذریه ی او[إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ] تا به مهدی می رسد [الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَ بِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِن‏] او خواهد آمد و حق خدا را می گیرد و حقی که مؤمنین دارند [وَ قَدْ بَلَّغْتُ‏ مَا أُمِرْتُ‏ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وُلِدَ أَوْ لَمْ يُولَدْ فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَة] بعد فرمود که مردم من مطلبی را که از جانب خدا رساندم و حجت را بر آنهایی که حاضرند و آنهایی که غایبند تمام کردم به آنهایی که متولد نشده اند به همه آنها ابلاغ کنید ، حاضرین به غائبین بگویند ، والدین به اولادشان بگویند که این تبلیغ من بود [فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَة ]

**امام زمان علیه السلام انتقام گیرنده از ظالمان**

بعد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در باره حضرت مهدی علیه السلام در خطبه غدیریه بیشتر توضیح دادند وفرمودند ای مردم [مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ وَصِيِّي أَلَا إِنَّ خَاتِمَ‏ الْأَئِمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّين‏] کسی که خاتم و آخر امامان است در ذریه من خواهد بود او مهدی است[أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ أَلَا إِنَّهُ الْمُنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ]او انتقام گیرنده از ظالمین است[أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَ هَادِمُهَا] با آمدن خود تمام قلعه ها و دژهایی که ظالمان ساخته اند را ویران خواهد کرد [أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِهِ]او وارث همه ی علوم است [أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ] او است که از پروردگارش اخبار خواهد کرد [ وَ الْمُشَيِّدُ لِأَمْرِ آيَاتِه‏] او ، امر آیات الهی را مرتفع خواهد ساخت(پرچم دین را برافراشته می کند ) [أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ أَلَا إِنَّهُ قَدْ بُشِّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ- أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ ]بدانید آخرین حجت او است و بعد از او حجتی نخواهد بود [وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ]حق جز با او نیست [وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَه‏] نور و هدایت جز او پیش کسی نیست 0

سزاوار است مضامین این خطبه را خوب مطالعه و بررسی کنیم و به دل بسپاریم تنها تلفظ هم نباشد آن هم خطبه ای که از معجزات کلامی آن حضرت محسوب می شود آن چه را چهارده قرن قبل فرمودند حوادثی را که آن روز فرمودند اتفاق خواهد افتاد 0

**پیشگویی رسول اکرم صلی الله علیه و آله از آینده امت اسلام**

همین شخصیت ، ظهور حضرت مهدی را هم خبر داده و فرموده اند [سَيَأْتِي‏ فِي‏ أُمَّتِي‏

زَمَانٌ‏]زمانی برای امت من خواهد آمد که [ تَخْبُثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ ]مردم جوری می شوند که باطنهایشان خبیث و ناپاک است و ظاهرشان خوب [تَخْبُثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْوَ تَحْسُنُ فِيهِ عَلَانِيَتُهُمْ طَمَعاً فِي الدُّنْيَا ]باطنها نا پاک است ولی ظاهر ، خیلی پاک[طَمَعاً فِي الدُّنْيَا] دنیا طلبی در جانشان رسوخ کرده [ لَا يُرِيدُونَ بِهِ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ] آن چه پیش خدا است نمی خواهند ، خدا و وعده های خدا را خواهان نیستند [ يَكُونُ أَمْرُهُمْ رِيَاءً ] غالبا ریا کار می شوند [لَا يُخَالِطُهُمْ خَوْفٌ] از خدا نمی ترسند [ يَعُمُّهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ]خداوند عقابی بر ایشان نازل می کند [ فَيَدْعُونَهُ دُعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.] مثل آدمی که در آب دست و پا می زند دائم دعا می کنند اجابت نمی شود ، این شرایط چه زمانی اتفاق می افتد [إِذَا رُفِعَ‏ الْعِلْمُ‏] آن وقتی که علم از بین می رود علماء یکی یکی می روند قهرا علم بر چیده می شود ، ما می بینیم چقدر علماء را از دست داده ایم و جای آنها واقعا خالی است و کسی جای آنها را پر نمی کند با رفتن علماء علم از بین می رود [ وَ ظَهَرَ الْجَهْلُ ] جهل و نادانی ظاهر می شود [وَ كَثُرَ الْقُرَّاءُ وَ قَلَّ الْعَمَلُ] قاریان فراوان می شوند ، با قرآن به حسب ظاهر ارتباط دارند ، حافظ قرآن ، قاریان قرآن ومدرسین قرآن زیاد می شوند ، و اما [وَ قَلَّ الْعَمَلُ] عمل به قرآن کم می شود [وَ كَثُرَ الشُّعَرَاءُ ] شعراء فراوان می شوند ، مثل این که نیاز مردم به شعر بیشتر از نیاز به قرآن است[قَلَّ الْفُقَهَاءُ الْهَادُونَ وَ كَثُرَ فُقَهَاءُ الضَّلَالَةِ ] فقها که گفته

می شوند نه فقط فقهایی که استنباط احکام می کنند بلکه همه دانشمندان را شامل می شود ، فرق نمی کند چه با لباس روحانی یا غیر روحانی ، دانشمندان گمراه کننده فراوان می شوند و دانشمندان هادی و فقهای هدایتگر کاهش می یابند [كَلَامُهُمُ‏ الْحِكْمَةُ ] این دانشمندان گمراه کننده وقتی حرف می زنند حکیمانه حرف می زنند[وَ أَعْمَالُهُمْ‏ دَاءٌ لَا تَقْبَلُ الدَّوَاءَ ] ولی عملشان درد بی درمان است [ اسْتَحَلُّوا الْكَذِب‏] دروغگوئی در بین مردم حلال می شود ، اصلاً زندگی با دروغ می چرخد[ وَ كَانَ الرِّبَا ظَاهِراً لَا يُعَيَّر] ربا به قدری علنی می شود که دیگر قابل توبیخ نیست ، اصلاً کسی حق ندارد سرزنش کند و عادی می شود ، این معجزات کلامی رسول خدا است و ما امروز می بینیم این جور شده [ وَ كَانَ الرِّبَا ظَاهِراً لَا يُعَيَّر] ربا دیگر قابل سرزنش نیست اگر به کسی بگوئی این معامله ای که می کنی ربا است باورش نمی شود و قابل سرزنش هم نیست [ شَيَّدُوا الْبِنَاء] ساختمانهای محکم با عظمت می سازند [ وَ بَاعُوا الدِّينَ‏ بِالدُّنْيَا] دین را از دست می دهند ودنیا را می گیرند [عُطِّلَ‏ الْكِتَابُ‏ وَ أَحْكَامُه‏] قرآن و احکام قرآن تعطیل می شود [ رَأَيْتَ الْعَظِيمَ‏ مِنَ‏ الْمَالِ‏ يُنْفَقُ فِي سَخَطِ اللَّهِ ] مال فراوان خرج می کنند در جاییی که خشم خدا را بر می انگیزد ، فراوان پول خرج می کنند در راه غضب خدا ، یکی از رفقای ما چند روز پیش نقل می کرد که در تهران ولیمه ای بر گزار شد ، حالا عروسی بود یا چیز دیگر نمی دانم

چند ده میلیون تومان برای یک شب خرج شد و این خیلی عجیب و ناراحت کننده است ، آن وقت صاحب مجلس کارتهایی چاپ کرده مزین به آیه ی قرآن و حدیث معصوم علیه السلام با خط خیلی خوب و با نقش و نگار چشم نواز ، اینها قابل جمع نیست [ رَأَيْتَ الْعَظِيمَ‏ مِنَ‏ الْمَالِ‏ يُنْفَقُ فِي سَخَطِ اللَّهِ ] مال فراوان در راه خشم خدا خرج می کنند [ رَأَيْتَ الْقِمَارَ قَدْ ظَهَر] قمار را می بینی که علنی شده است[رَأَيْتَ الْمَلَاهِيَ‏ قَدْ ظَهَرَتْ‏ يُمَرُّ بِهَا لَا يَمْنَعُهَا أَحَدٌ أ] ساز و آواز وامثال آن علنی می شود و مردم از کنار آن عبورمی کنند و کسی هم حق ندارد مانع بشود ، به خدا پناه می بریم 0

**غیبت امام زمان علیه السلام صحنه امتحان برای مؤمنین**

 فرمودند : شما در زمان غیبت هنگام مواجهه با این بلاها و گرفتاریها ، مبادا اعتقاد شما به امام زمان علیه السلام کم رنگ شود ، از جمله دعاهای وارد شده در عصر غیبت اینکه [ اللَّهُمَّ وَ لَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ‏ الْأَمَدِ فِي‏ غَيْبَتِه‏] خدایا نکند با طولانی شدن غیبتش یقین ما از بین برود ، به این بلا مبتلا نشویم ، این گرفتاری بززگی است ، باید شدیدا مراقب باشیم اعتقاد ما نسبت به امامان معصوم علیهم السلام خدشه بر ندارد [ اللَّهُمَّ وَ لَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ‏ الْأَمَدِ فِي‏ غَيْبَتِه وَ انْقِطَاعِ خَبَرِهِ عَنَّا‏] از او خبر نداریم غایب است و صحنه ی امتحانی برای ما است که در آن دعا می گوییم [ وَ ثَبِّتْنِي‏ عَلَى‏ طَاعَةِ وَلِيِ‏ أَمْرِكَ‏ ] در زمان غیبت نگهم بدار ، نگذار متزلزل شده اعتقادم از بین برود ، ما در انتظار او هستیم ، او به مصلحت خدا غایب است و حق نداریم بگوییم چرا نمی آید ، در همین دعا داریم که [لَا أَقُولَ‏ لِمَ‏ وَ كَيْفَ‏ وَ مَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَ قَدِ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْر]نگویید زمین پر از جور شده چرا نمی آید عالم را اصلاح کند در عین حال که ما تعجیل در فرج را دوست داریم ولی حق نداریم بگوییم چرا نمی آید ما وظیفه داریم برای تعجیل در فرج دعا بکنیم ما باید بخواهیم آنچه را که خدا می خواهد ، تأخیر خواسته است ، بسیار خوب ما همان را می خواهیم تعجیل خواسته تعجیل می خواهیم ، خیلی ها اظهار محبت می کنند و خیال می کنند برای نصرت حضرتش حاضر و آماده اند و مدعی هستند با وجود این همه فداکار مجاهد چرا حضرت ظهور نمی کنند اما سیصد و سیزده نفریار که بیشتر نمی خواهند ما که چند برابر این تعدادیم چرا ظهور نمی کنند

**یاری امام زمان اهلیت می خواهد**

در کتابی خواندم حدود دویست سال قبل صلحایی در نجف دور هم جمع شدند روزی پیش خود گفتند چرا امام عصر ظهور نمی کند ؟ حضرت سیصد و سیزده نفر که بیشتر نمی خواهند ما که فراوان هستیم پس چرا حضرت نمی آیند ؟ با هم قرار گذاشتند برای فاش شدن سر این مطلب فردی را از بین خود که بهترین ما باشد انتخاب می کنیم تا او به مسجد سهله برود و با توسل به امام زمان علیه السلام حقیقت مطلب را دریابد ، جمع حاضر به دو قسمت شدند و بهترین ها انتخاب شدند و این تقسیمات ادامه پیدا کرد تا این که بهترین و صالح ترین فرد انتخاب شد ، قرار این فرد که از همه زاهدتر و مقدس تر بود به مسجد سهله برود و پس از توسل خود به امام عصر علیه السلام از سر مطلب آگاه شود و برای دوستان خود خبر بیاورد او رفت و بعد از دو سه روزی برگشت ، پرسیدند چه شد ؟ گفت واقعیت مطلب این که وقتی من از نجف به سمت مسجد سهله حرکت کردم یک باره دیدم شهری مقابل من ظاهر شد برای من تعجب آور بود شهر خیلی آباد ، جلو رفتم ، پرسیدم این شهر کجا است ؟ گفتند این شهر صاحب الزمان علیه السلام است شهر امام زمان است ، حضرت ظهور کرده ، خیلی خوشحال شدم و جویای منزل حضرت شدم تا این که مقابل خانه حضرت ایستادم در زدم کسی آمد ، گفتم به امام بگو فلانی آمده شما را ملاقات کند ، رفت و آمد و گفت : آقا فرمودند حالا تو خسته ای از راه رسیده ای برو فلان جا ، نشانی دادند آنجا مرد بزرگی است دخترا او را برای شما تزویج کردیم که همسر تو باشد ، شب آنجا بمان بعد فردا پیش ما بیا ، خوشحال شدم و رفتم آن خانه را پیدا کردم ، دختر را آوردند و اتاقی را مهیا کردند و رفتند تا وارد شدم دیدم در اتاقم را می زنند ، گفتم : کیست ؟ گفتند از جانب امام زمان پیام آمده بیا که قصد قیام داریم ، می خواهیم شما را به جایی بفرستیم ، گفتم به امام بگویید امشب را صبر کنید من فردا خدمت می رسم ، مأمور رفت و برگشت و گفت آقا فرمودند همین الآن بیا ، گفتم حالا شما یک ساعت دو ساعت صبر کنید ، گفت نه همین الآن بیا گفتم به آقا بگویید حالا نمی آیم تا این را گفتم دیدم هیچ خبری نیست نه شهری و نه خانه ای و نه عروسی هست و من در بیابان نجف هستم فهمیدم که نه ما هنوز اهلیت لازم را نداریم ، یک دختر آوردند به ما تزویج کردند ما برای خاطر امام زمان از این دختر نمی گذریم فهمیدم که ما اهلش نیستیم ، مراقت باشید اعتقادات شما سست نشود ، مغرور نشوید نگویید چرا نمی آید ، هنوز وقت آن نشده است0

**رعایت ورع در عصر غیبت امام زمان علیه السلام**

حضور امام برای همه قابل تحمل نیست ، فرمودند چیزی که برای شما لازم است اینکه در زمان غیبت ورع داشته باشید [آدَابُهُمْ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مُثْبَتَةٌ فَهُمْ بِهَا عَامِلُون‏] کافی ج1ص339) و خود فرمودند ، سبب دوری ما از وجود مقدسشان [فَمَا يُحْبَسُ‏ عَنْهُمْ‏ مشَاهَدَتُنَا]چیزی که ما را از آنها دور کرده [إِلَّا لِمَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ](خرائج و الجرائح ج2ص903) شما کارهایی می کنید که ما نمی پسندیم و همین بین ما و شما فاصله انداخته است ، شما با کارهای زشت و نا پسند خود ما را می آزارید ، اگر می خواهید نظر ما را به خد جلب کنید ورع داشته باشید [ الْوَرَعُ‏ نِظَامُ‏ الْعِبَادَةِ فَإِذَا انْقَطَعَ ذَهَبَتِ الدِّيَانَةُ ] ( مجموعه ورام ج2ص88 ) بدانید چیزی که دیانت را حفظ می کند مثل همان رشته تسبیحی که دانه ها را حفظ می کند ورع است ، از تقوی بالا تر ورع است ، ورع یعنی از شبهات هم پرهیز می کند به قدری پرهیزکار ایت که به سوی شبهه نمی رود ، نکند به گناه آلوده شود ، ورع نظام دیانت است رشته تسبیحی که دانه ها را جمع کرده ورع است اگر این رشته پاره شود همه ی دانه ها پراکنده می شود اگر ورع درشما نباشد دینتان از بین می رود این کارها را که انجام می دهید پراکنده می شود ونفعی به حال شما نخواهد داشت [فَإِذَا انْقَطَعَ ذَهَبَتِ الدِّيَانَةُ كَمَا إِذَا انْقَطَعَ السِّلْكُ اتَّبَعَهُ النِّظَام‏] (مجموعه ورام ج2ص88 ) وقتی که رشته پاره شد تمام آن دانه ها هم پراکنده خواهند شد ، به هر حال فطرت انسان طالب امام است ، عقل انسان هم دلالت بر عصمت امام دارد ، وحی هم نشان می دهد ک ولی خدا کیست ؟ تا وقتی که انسان در راه فطرت است درست می رود دنبال امام حق می گردد ، وقتی که فطرت واژگون شد و از امام حق اعراض کرد دنبال امام باطل می افتد در این صورت خدا نعمت ار از دست مردم می گیرد ، کفر نعمت می شود

**عدم آمادگی مردم جهان برای تحمل ظهور امام زمان علیه السیلام**

خداوند یازده امام ار برای این بشر آورد همه را کشتند ، معلوم شد که فطرت ما برگشته ، ما تابع امام نیستیم ، خواهان امام نیستیم بیست و پنج سال این مردم علیّ امیر علیه السلام را خانه نشین کردند ، دراین بیست و پنج سال به در خانه ی ابوبکر و عمر رفتند و آنها را ولی خود انتخاب کردند ، چند سال هم که خودشان حضرت را به حکومت رساندند و با حضرت بیعت کردند در آخر با شمشیر فرقش را شکافتند بعد از او امام مجتبی علیه السلام را هم مسموم کردند ، معاویه را تاج سر قرار دادند امام حسین علیه السلام را زیر سم اسبها لگد مال کردند ، یزید را آوردند و روی سر خود نشاندند ، امام کاظم علیه السلام را توی زندان زیر غل و زنجیر جانش را گرفتند بعد جنازه اش را بیرون آوردند ، حق تعالی دید اینها که این جورند و امام طلب نیستند باید امام را از آنها بگیرم مثل بچه ای که تا طالب شیر است از پستان مادر شیر می خورد وقتی اعراض کرد شیر می خشکد ، بچه ای که از شیر اعراض می کند دیگر نمی توان به او پستان پراز شیرداد ، مردمی که از امام حق اعراض کردند باید امام از آنها گرفته شود ، از زمان امام هشتم علیه السلام به بعد کم کم شیر ولایت در پستان ولایت خشکید امام جواد علیه السلام در دوران امامت خود تا حد ممکن از مردم کناره گیری می کردند ، زمان امام هادی علیه السلام رابطه ی با مردم بسیار کم شد 0

**جاسوسهای گوناگون در عصر امامت امام حسن عسکری علیه السلام**

زمان امام عسکری علیه السلام زندگی حضرت از نظر مردم مخفی بود ، یعنی اینها دیگر لایق این نبودند که به زیارت امام نائل شوند حتی وصلت امام عسکری و نرجس علیما السلام در منزل حکیمه خاتون انجام شد در خانه ی خودشان نبود ، حکومت افرادی از مرد و زن را گماشته بودند ببینند که کدام زن حامله می شود و کدام بچه به دنیا می آید به مرکز حکومت و خلافت گزارش بدهند و کسی نمی دانست که نرجس خاتون همسر امام عسکری علیه السلام است فقط خواص می دانستند ، وقتی که حامله شد هیچ کس نمی دانست حتی خود مادر هم آگاه نبود که حمل دارد ، مخفی بود تا شب نیمه ی شعبان که رسید امام عسکری علیه السلام به عمه اش فرمود : امشب افطار در منزل ما بمان ، فرزندم به دنیا خواهد آمد ، گفت آقا نرجس که آثار حمل دراودیده نمی شود ؟ حضرت فرمود : همان گونه که آثار حمل در مادر موسی علیه السلام مخفی بود این هم همین گونه است مطمئن باش وقتی طلوع فجر طالع شد مهدی علیه السلام ظاهر می شود 0

**صعود قنداقه حضرت مهدی علیه السلام به عرش الهی**

حالا جمله ای عرض می کنم که دلهای ما روشن بشود ، از امام عسکری علیه السلام نقل

است که فرمودند : [لَمَّا وَهَبَ‏ لِي‏ رَبِّي‏ مَهْدِيَ‏ هَذِهِ الْأُمَّةِ] (بحارج51ص27) همین که خداوند به من مهدی امت را عنایت فرمود (به ما هبه کرد ) در نسخه ی دیگر امده است [لما ورد الصاحب] وقتی صاحب به دنیا آمد ، نشان می دهد هرکس صاحب عالم امکان است صاحب او است [ورد الصاحب ] وقتی او به دنیا آمد ، دو ملک از جانب خدا آمدند همان روز اول ولادت به معراج بردند [ لَمَّا وَهَبَ‏ لِي‏ رَبِّي‏ مَهْدِيَ‏ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَرْسَلَ مَلَكَيْنِ فَحَمَلَاهُ إِلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ حَتَّى وَقَفَا بِهِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ] این طفل تازه به دنیا آمده را به عرش بردند و در پیشگاه خدا نگهش داشتند حالا چگونه ؟ ما نمی فهمیم به چه کیفیت آنجا ایستاده ، خدا به امر او گفت [مَرْحَباً بِكَ] خوش آمدی بنده ی من [مَرْحَباً بِكَ عَبْدِي لِنُصْرَةِ دِينِي ] (بحارج 51ص27) خوش آمدی بنده ی من ، تو به دنیا آمدی [وَ إِظْهَارِ أَمْرِي] فرمان من به دست تو اظهار خواهد شد [وَ مَهْدِيِّ عِبَادِي] تو مهدی بندگان من هستی [آلَيْتُ أَنِّي بِكَ آخُذُ] قسم خورده ام به وسیله ی تو من نعمت می دهم [وَ بِكَ أُعْطِي] و به وسیله ی تو به بندگانم عطا می کنم [وَ بِكَ أَغْفِرُ] به سبب وجود تو من می آمرزم [وَ بِكَ أُعَذِّبُ] به وسیله تو عذاب می کنم و اگر رحمت می کنم به وسیله ی تو است ، بعد فرمود : او را به دامن پدر و مادرش برگردانید و بگویید که او در کنف حمایت من است نهگش می دارم [أُحِقَّ بِهِ الْحَقَّ وَ أُزْهِقَ بِهِ الْبَاطِلَ] تا به وسیله ی او حق را احقاق کنم و

باطل را از بین ببرم ، این هم چند جمله ای بود در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام 0

پروردگارا به حرمت امام زمان علیه السلام در فرجش تعجیل بفرما ، ما را در زمره ی منتظرین آن حضرت محسوب بفرما ، توفیق بندگی با خلوص نیت به مان عنایت بفرما ، خدایا حسن عاقبت به همه ی ما کرم بفرما آمین یا رب العالمین و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

قابل توجه آقای آقا صالح : در این جزوه فقط از ترجمه ی متن استفاده شده و از ترجمه ی برادرمان آقای زارع که عمدتا آخر آمده نتوانستم استفاده کنم در جریان باشید

به مرکز حکومت وخلافت وسطش هم در خانه حکیمه خاتون انجام شد مخفیانه و کسی نمیدانست که غالبا حضرت نرجس همسر امام عسگری(ع) است خیلی خواص فقط میدانستند وقتیکه حامل شد هیچ کس نمیدانست که حامل هست نرجس خاتون به امام عسگری(ع)حتی خودش هم نمی دانست خود مادر هم آگاه نبود که حمل دارد مخفی بود تا شب نیمه شعبان که رسید امام عسگری (ع) به عمه اش فرمود امشب بمان افطار در منزل ما فرزندم به دنیا خواهد آمد گفت آقا نرجس که آثار حمل درش نیست چطور؟فرمود که نه همونگونه که آثار حمل در مادر موسی مخفی بود این هم همینجوره مطمئن باش وقتی فجر طالع شد مهدی(ع)ظاهر خواهد شد ولذا آن شب وقتی به دنیا آمد(صلوات)حالا این جمله ام عرض میکنم که دلهای ما روشن بشود از امام عسگری(ع) فرمود که لما وهب لی ربی مهدی هذه الامه خداوند به من عنایت کرد مهدی امت به من عنایت فرمود، هبه کرد به ما،عطیه او بود در نسخه دیگر است لما ورد الصاحب وقتی صاحب به دنیا آمد این نشان میدهد هر کس صاحب عالم است،صاحب عالم امکان است،صاحب اوست است،ورد الصاحب، وقتی او به دنیا آمد دو ملک آمدن از جانب خدا او را بردن به آسمان همان روز اول ولادت رفته به معراج،همان روز اولش،ولادتش به معراج رفته وهب لی ربی مهدی هذه الامه،ارسل ملکین فحملاه الی سرادق العرش بردن به پای عرش حتی وقفا بین یدی الله عزوجل نگه اش داشتند این قنداقه تازه به دنیا آمده را بردن به عرش حالا ما خوب نمی فهمیم،نه چجوریه به چه کیفیت اونجا ایستاده بعد خدا گفت مرحبا بک خوش آمدی بنده من،مرحبا بک عبدی لنصره دینی،خوش آمدی بنده من برای یاری دین من تو به دنیا آمدی اظهار امری فرمان من به دست تو ظاهرخواهد بود مهدی عبادی تو مهدی بندگان من هستی آلیت انی بک آخذوا قسم خورده ام به وسیله تو من نعمت می دهم بک اعطی به وسیله تو عطا میکنم به بندگانم بک اغفر به وجود تو من می آمرزم بک اعذب عذاب میکنم به وسیله تواست اگر رحمت میکنم به وسیله تواست بعد فرمود برگردانید به دامن پدرش ومادرش بگویید که او در کنف من است در زمان من است نگه اش میدارم و احق به الحق و ازهق به الباطل تا به وسیله او حق را احقاق کنم و باطل را از بین ببرم خوب این هم چند جمله ای در رابطه با حضرت مهدی(ع).پروردگارا به حرمت امام زمان(ع) در فرجش تاجیل بفرما،مارا در زمره منتظرین آن حضرت محسوب بفرما،توفیق بندگی با خلوص نیت بما عنایت بفرما،خدایا حسن عاقبت به همه ی ما کرم بفرما(الهی آمین)(صلوات)

**سلام علیکم آقای آقا صالح در این جزوه در خصوص روایت غدیریه مربوط به صاحب الزمان من از ترجمه های متن فقط استفاده کرده ام و ترجمه های آقای زارع را که در آخر آمده نتوانستم استفاده کنم توجه داشته باشید 0**